

روند شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری در فرزندان

اگر چیزی بدهید چیزی می‌گیرید

شکوفه شبیبی

به وابستگی نسبی (با ابراز تمایلاتی چون گریستن، جیغ زدن، بی‌تابی کردن) با ذکر مثال‌هایی از جمله توهین خوردن شیر مادر با مکیدن شست و در ادامه قرار گرفتن در معرض گرسنگی فیزیولوژیک و پناه بردن به مادر اعتقاد دارد: «نوزاد از شش ماهگی تا یک سالگی به این وابستگی پی می‌برد و تازه می‌فهمد که مادری هم وجود دارد ... [از طرفی] فاصله زمانی میان «حس کمبود چیزی» تا «برآوردن آن» به کودک یاد می‌دهد که همه کارها فوراً انجام داده نمی‌شود و باید صبر کرد ... کودک باید درک کند که قرار نیست هر چه او می‌خواهد فوراً در اختیارش قرار گیرد ... این الگو باید از کودکی آغاز شود و تا نوجوانی و جوانی شکل بگیرد ... لازم است او به مرور بفهمد که برای برآورده شدن خواسته‌هایش باید تلاش کند. کسی که فضای خواستن را درک نکرده یا خواسته‌هایش بدون این که قدمی در جهت آنها بردارد برآورده شده به معنی واقعی مصرف‌کننده بوده و احساس می‌کند زندگی و اجتماع به او بدهکار است ... البته توجه بیش از حد والدین به خواسته‌های فرزندان معمولاً به دلیل محرومیت‌هایی است که خود تجربه کرده‌اند.»

والدین مسئولیت‌پذیر، فرزندان مسئولیت‌پذیر بار می‌آورند

مؤلف با برشمردن شرایط مسئولیت‌پذیری فرزندان، پیش‌نیاز مهم این مؤلفه را مشروط نکردن عشق و محبت والدین به فرزندان به پذیرش مسئولیت از جانب آنها می‌داند و می‌نویسد: «کودک باید این حس را در فاصله سنی تقریباً ۲-۵/۱ سالگی تجربه کند ... [چرا که] احساس امنیت درون کودک با حس دوست داشته شدن شکل می‌گیرد، [از طرفی] والدینی که مسئولیت‌پذیر نباشند نمی‌توانند فرزندان مسئولیت‌پذیر داشته باشند. یا بچه‌ها را به سوی بلوغ زودرس و کاذب می‌رانند. *پیش‌شرط مسئولیت‌پذیری؛ واگذاری نقش فعال دکتر رفعتیان، مسئولیت‌پذیر شدن فرزندان را در گرو شناخت توانایی آنها و در گام بعدی واگذاری نقش فعال در جهت پیشبرد اهداف خانواده می‌داند؛ اتفاقی که متأسفانه و به ویژه امروزه در بسیاری از خانواده‌ها رخ نمی‌دهد. بسیاری از والدین تصور می‌کنند پدر، مادر ایده‌آل یعنی پدر و مادری که تمام مسئولیت‌های خانواده را به دوش می‌کشد بنابراین معلوم است فرزندان این خانواده وابسته بار می‌آیند.

اما شاخصه دیگر مسئولیت‌پذیری فرزندان که در کتاب مطرح می‌شود فراتر از دایره خانواده است، به این معنی که کودک یا نوجوان با الگوبرداری از معلمان و مربی‌های خود ممکن است حس کند آنها انتظاراتی از او دارند که خودشان رعایت نمی‌کنند.

مسئولیت‌پذیری در گرو تصویر مسئولیت در ذهن

نکته بسیار مهمی که در کتاب مطرح می‌شود و طبیعتاً در شکل‌گیری روند مسئولیت‌پذیری نقش دارد تصویری است که والدین از مسئولیت در ذهن کودک ایجاد می‌کنند: «برای مثال اگر از فرزندان مسئولیت

کرده است، می‌پردازیم.

مسئولیت‌پذیری در مقدمه

مؤلف در ابتدای کتاب به تعریف مسئولیت‌پذیری، چگونگی شکل‌گیری وابستگی و استقلال، شرایط و چگونگی مسئولیت‌پذیری در فرزندان، نقش تنبیه و تشویق در مسئولیت‌پذیری کودکان، سیستم تبادل در خانواده، مبارزه برای کسب قدرت و رابطه مبتنی بر برابری یا مبارزه قدرت می‌پردازد، این که فرزندان چه مسئولیت‌هایی را باید به عهده بگیرند، چرا فرزندان مسئولیت‌های خود را انجام نمی‌دهند و اگر این گونه شد چه باید کرد، مسئولیت‌پذیر نبودن فرزندان از چه زمانی آغاز می‌شود و چه زمانی این موضوع نشانه بیماری است، نویسنده در مقدمه کتاب با طرح این موضوع که اگر والدین از مسئولیت‌پذیری‌های خود شانه خالی کنند، فرزندان آنها به لحاظ روانی و عاطفی به بلوغ نمی‌رسند، می‌نویسد: «جامعه باید از بی‌بردن به آرزوها و شناخت خواست‌ها و آفق‌های کسانی که هنوز زیر بار مسئولیت‌های سنگین نیستند تکان‌های جدیدی بخورد. در اثر جاذبه خالی کردن بزرگسالان است که نوجوان به طور زودرس و طی روندی کاذب، بالغ، بزرگ یا پیر می‌شود.»

فاصله زمانی «حس کمبود چیزی» تا «برآوردن آن»

مسئولیت‌پذیری این‌گونه تعریف می‌شود: «قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی خواسته می‌شود و شخص حق دارد آنها را بپذیرد یا رد کند ... اگر نوجوان احساس کند با زور او را مجبور به انجام کاری کرده‌اند ممکن است خود او هم چنین روشی را در پیش بگیرد، یعنی علاوه بر نپذیرفتن آن مسئولیت سعی می‌کند از طریق همین زورگویی یا لجبازی به خواسته‌های خود دست پیدا کند. فرزندان که رشد و بالندگی آنها همراه با استقلال باشد مسئولیت‌پذیرتر بار می‌آیند...» دکتر رفعتیان با بیان این که فرزندان از همان دوران کودکی باید درک کنند در برابر چیزی که می‌گیرند چیزی باید بدهند، معتقد است وابستگی کمکی به مسئولیت‌پذیری فرزندان نمی‌کند، از طرفی مسئولیت‌پذیری ژن خاصی ندارد و ارثی نیست، بلکه معنا و مفهومی قراردادی، اخلاقی و تربیتی است. نویسنده در ادامه با تعریف مفهوم وابستگی در انسان از جنبی تا نوزادی و دگردیسی آنها از وابستگی کامل



لویبای دروغ‌لای کتاب

در آشفته بازار نشر کتاب‌های به اصطلاح روانشناسی که مثل نقل و نبات بر سر و روی قفسه‌های کتابفروشی‌ها می‌ریزد و مدعی است با لویبای سحرآمیز واژه‌هایش می‌تواند خوشبختی را در دو دقیقه به چنگ خواننده اش بیاورد و حداکثر در یک هفته مخاطبش را به چنان تمکن مالی برساند که با ته مانده پول خرد جیبش، جزیره‌ای مجلل در فلان نقطه عالم بخرد، انتشار کتاب‌هایی که با بهره‌گیری از متخصصان مجرب روانشناسی، روانپزشک‌ها و مشاوران به اختلال‌های رایج در ذهن‌ها و زبان‌ها و رفتار مردم می‌پردازد فرصت بسیار مغتنمی است.

در این مجال به خلاصه‌ای از مباحث کتاب «روند شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری در فرزندان» تألیف دکتر عبدالحسین رفعتیان روانکاو و روانپزشک که به تازگی انتشار یافته و موضوعاتش را با پرهیز از اصطلاحات دشوار و بحث‌های صرفاً تئوریک، برای عامه مردم قابل استفاده



● «اتاق فرزندان، سرزمین و قلمرو آنها است. والدین حق ندارند بی اجازه به قلمرو فرزندان وارد شوند. آنها می‌توانند به اتاقشان آن گونه که بخواهند نظم دهند...»
 اگر والدین به فرزندان بگویند چرا در اتاق را بستنی، او متوجه می‌شود این اتاق متعلق به او نیست پس لزومی هم به مرتب کردن آن نمی‌بیند.

●

مسئولیت به منزله تسلیم شدن نیست، بلکه به معنی به دست آوردن هویت و احترام است.»

تناسب بین مسئولیت و توانایی های فکری، جسمی و عاطفی

نویسنده کتاب «مسئولیت‌پذیری» اعتقاد دارد که بین مسئولیت فرزندان و توانایی‌های فکری و جسمی و عاطفی آنها باید تناسب وجود داشته باشد... نه وظیفه‌ای که دیگران از زیر بار آن شانه خالی کرده‌اند: «والدین نباید اجازه بدهند مسئولیت‌های سنگینی بر دوش فرزندان بیفتد (حتی اگر خود آنها متمایل باشند)»

اتاق فرزندان قلمرو آنهاست

دیدگاه مطرح شده در کتاب بیانگر پذیرش اختلاف سلیقه‌ها و مخالفت‌های فرزندان به مثابه نوعی سوپاپ اطمینان خانواده است، اما این اختلافات وقتی مفید هستند که باعث شوند گفت و گوهای تازه‌ای شروع شود.

از طرفی اگر اختلافات حل نشد باید تحمل کرد چون بعضی کشمکش‌ها حل شدنی نیستند. نکته هوشمندانه‌ای که مؤلف تذکر می‌دهد رابطه «به رسمیت شناخته شدن استقلال فرزندان» و «مسئولیت‌پذیری» آنها است: «اتاق فرزندان، سرزمین و قلمرو آنها است. والدین حق ندارند بی اجازه به قلمرو فرزندان وارد شوند. آنها می‌توانند به اتاقشان آن گونه که بخواهند نظم دهند...»
 اگر والدین به فرزندان بگویند چرا در اتاق را بستنی، او متوجه می‌شود این اتاق متعلق به او نیست پس لزومی هم به مرتب کردن آن نمی‌بیند.

نکته ارزشمند دیگر دکتر رفعتیان برای والدین این است که پیش از آن که فرزندان را به عدم مسئولیت‌پذیری متهم کنید بایستی شعاع دایره این رفتار او را بسنجیم. این که: «آیا او نسبت به همه کس و همه چیز بی مسئولیت است اگر بی مسئولیتی او فقط در رابطه با خانواده‌اش باشد مشخصاً مشکل ارتباطی معینی وجود دارد، مثلاً ممکن است شیوه‌ای برای ابراز خشمش باشد.» ▲

می‌پردازد که از سنت هر خانواده تبعیت می‌کند. دکتر رفعتیان اعتقاد دارد شفاف بودن هرم و رأس آن برای اعضای خانواده عنصر کلیدی است. مؤلف گوشزد می‌کند که هرم قدرت در خانواده مثل سازمان‌های نظامی بی چون و چرا نیست و بایستی به صورت اقتضای اداره شود، از سویی همه افراد خانواده بایستی احساس کنند در این هرم مکمل هم هستند و در امور خانواده نقش دارند. ادامه این بحث تأکید بر برابری (نه یکسان بودن) حق بیان خواست‌ها و نیازهای والدین و فرزندان است، با این تبصره و تذکر که تفکر و برداشت غیرواقعی از برابری، نظم و ترتیب زندگی را به هم می‌ریزد: «ممکن است فرزندی بگوید چون پدر مادر من تا ساعت دوازده شب تلویزیون تماشا می‌کنند من هم باید تماشا کنم. این برابری برای بچه فایده‌ای ندارد.» نکته دیگر در این باره به زعم نویسنده این است که خشم و عصبانیت بچه‌ها خیلی وقت‌ها ممکن است منطقی نباشد ولی والدین باید به فرزندان نشان بدهند که از خشم آنها نمی‌ترسند و در برابر آنها عقب‌نشینی نمی‌کنند. وقتی کودکی عصبانی است باید به او بگویند: «برو اتاق و هر وقت عصبانیتات فروکش کرد بیا منطقی صحبت کنیم.»

تنبلی، اینرسی سلول‌ها

اگر در طبیعت و در دنیای فیزیک قانونی به نام «اینرسی» (تمایل اجسام به سکون) وجود دارد این تمایل به سکون نه در ملکول‌ها که در سلول‌ها و در انسان قالبی به خود می‌گیرد که همه به نوعی با آن آشنا هستیم؛ تنبلی.

دکتر رفعتیان از «تنبلی» به عنوان قانون «کمترین رنج» نام می‌برد و معتقد است وقتی مسئولیتی به عهده فرزندان می‌گذارید او باید بفهمد اگر این مسئولیت را انجام ندهد کس دیگری نیز آن را انجام نخواهد داد، نه این که پدر و مادر با یک تأخیر زمانی آن مسئولیت را انجام دهند: «البته کودک باید درک کند که قبول این

بیرون گذاشتن کیسه زباله، چیدن میز یا جمع کردن سفره را می‌خواهیم تصویری که از این کارها به او ارائه می‌کنیم بسیار مهم است. اگر این کارها را به عنوان کارهایی بی ارزش، خسته کننده، بی خود و مزاحم به او معرفی کنیم طبیعی است که او نمی‌پذیرد.» در واقع با «تغییر زاویه دید» کودک کاری را که ممکن است در ظاهر خسته کننده یا مورد پسند او نباشد انجام می‌دهد. البته نویسنده بلافاصله به والدین تذکر می‌دهد: «والدین توجه داشته باشند که همیشه باید با کودک خود صادق باشند و کار بی ارزش را به دروغ برای کودکشان با ارزش و بزرگ نکنند.»

در ادامه کتاب به تأثیر تنبیه و تشویق در مسئولیت‌پذیری کودکان اشاره می‌شود. به این معنا که والدین بایستی از تحقیر کودکان در مسئولیت‌هایشان بپرهیزند و در گام اول از تشویق در حد امکانات خود استفاده کنند و تنبیه (عامل پیشگیری) فقط به شکل محروم کردن از یک رشته امکانات رفاهی باشد: «اگر اتاق را مرتب نکنی، پول تو جیبی ات کم می‌شود یا اجازه نداری به تولد دوست بروی یا...»

باید چیزی بدهی تا چیزی بگیری

از دیدگاه مؤلف، «پایداری مسئولیت‌پذیری» برای نوجوان معطوف به این است که او باور کند روی حرفش حساب می‌کنند و به نظراتش احترام می‌گذارند. در این صورت فرد از وابستگی کامل بیرون می‌آید و در پرتو مسئولیت‌پذیری، قدرت تصمیم‌گیری می‌یابد. از طرفی «تبادل» نیز عنصر مهمی در این میان است، به این معنا که: «در برابر چیزی که به دست می‌آوری باید چیزی بدهی یا کاری بکنی... وقتی با فرزندان حرف می‌زنید باید نگاه کند و جواب دهد. او هم انتظار دارد وقتی با شما صحبت می‌کند به او نگاه کنید و جواب بدهید.»

هرم قدرت خانواده باید شفاف و اقماعی باشد

مبحث دیگر کتاب به «شکل هرم قدرت» در خانواده